ودیعه الهی برای حرکت از معاش به معاد



حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهدی صرامی
استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

با رجوع به آموزه‌های دینی به تصریحات بسیار شفاف درباره عقل می‌رسیم؛ مثل تعبیر «دین ندارد آن که عقل ندارد!». این یعنی بین دین و عقل، مساوات برقرار است. این مسئله هم در متون دینی و هم در روایات تصریح شده است و دین‌شناسان اهل‌سنت و شیعی هردو به آن اذعان دارند که: «عقل پایه عبادت و پرستش است». به عبارت دیگر در نگاه آموزه‌های وحیانی، عقل، پایه ایمان و پرستش است و نه‌تنها ایمان و پرستش بدون عقل رسمیت ندارد، بلکه فقط از مجرای عقل، شدنی خواهد بود.

مخاطب انبیا و هدف رسالت آن‌ها، قوه عاقله انسان است و درمقابل، دستگاه ابلیس با قوه واهمه سروکار دارد. نتیجه آنکه خروجی تعقلات و تأملات فکری که به‌واسطه عقل کسب شده است، ایمان و خروجی توهمات، کفر است.

باید در مفهوم عقل فکر کرد و منظور از عقل و صاحبان این عقل که در ادبیات دین، اولوالالباب نامیده می‌شوند، مشخص شود تا انحراف در مصداق به انحراف در نتایج و طغیان منتهی نشود و از آموزه‌های تعبدی شریعت دور نشویم.

عقل به‌عنوان ابزار شناخت همواره نتایج مختلفی را برای انسان در توضیح و تبیین وقایع اطراف رقم می‌زند. بر اساس دین مبین اسلام و الگوهای فلسفی و معرفت‌شناختی در عالم، با یک نگاه واقع‌گرا عقل همیشه دنبال شناخت پیرامون خود با استناد به گزاره‌های بدیهی است. بر این اساس آنچه نصیب انسان می‌شود، ارتباط مستقیم با پیرامون خود و تفسیر دقیق آن دارد. اگر این حقیقت را کنار هم بگذاریم و نگاهمان واقع‌گرا باشد و شناخت واقعیت را ممکن بدانیم و دین را الگویی برای زندگی در میان این واقعیات تفسیر کنیم، عملا دین، بخشی از حقیقتی را که انسان به آن می‌رسد، مشروط به عقل می‌داند. دین قواعد بنیادین زندگی بشر را در اختیار انسان و تصدیق و مصداق‌یابی آن را برعهده عقل می‌گذارد، لذا به اندازه‌ای که عقل دچار حجاب و نقص در تشخیص باشد، دچار خطا در شناخت آن قواعد کلی هم می‌شود.

انسان در رویکردهای نوین زندگی معاصر، دنبال امیال و لذت‌های خود است. این نگاه، انسان را به اینجا رسانده است که به‌جای دغدغه‌مندی درباره مصلحت نوع بشر درپی مصلحت شخصی خودش است. در این نگاه، عقل معاش عملا عقل کمک‌کننده به لذات است؛ یعنی همه ابزارهای انسان در اختیار لذات او قرار می‌گیرد اما در ادبیات عاقلانه‌تر غرب و شرق و حتی متون دینی، عقل معاش آن بعدی است که درپی مصالح دنیوی در حداقل‌هاست؛ چه شخصی و چه جمعی.

انسان مؤمن به‌عنوان یک سلول از پیکره جامعه، نیازمند این تدبیر معاش است و از نشانه‌های مؤمن، موفقیت در تدبیر معاش است.

امام‌صادق(ع) فرمودند: «هیچ معرفتی به‌دست نمی‌آید، مگر به واسطه اراده خدا». این یعنی عقل یک ودیعه و موهبت الهی به بشر است که مبنای همه تعاملات خدا با او شده و زبان مشترک خدا با بشر را خلق کرده است. انسان با این عطیه الهی امکان تعامل با خدا را یافته است. بعد از آنکه انسان از این عقل زیرساختی بهره‌مند شد، می‌تواند این ودیعه را محور و امام خود قرار دهد و از محوریت دستگاه شهوانی با مدیریت ابلیس دور شود و به درجات بعدی عقل تا عقل تام دست یابد.

هر وقت گیر کردی، بیا!

سمانه رضوانی| عادت دارم به حرم که می‌روم، می‌نشینم گوشه‌ای و به آدم‌ها نگاه می‌کنم. هرکدام قصه‌ای دارند. بعضی‌ها قصه‌هایشان پیداست.

مثلا عروس و دامادهایی که وسط صحن، عکس‌های دونفره می‌گیرند. پیداست آمده‌اند زندگی‌شان را با محبت امام‌رضا(ع) شروع کنند یا بچه‌ای که در حرم می‌دود یا روی سنگ‌فرش‌ها با عروسکش بازی می‌کند.

اما بعضی‌ها نه.

عادت دارم بنشینم برای آن‌ها قصه ببافم؛ مثلا جوانی که گوشه‌ای از مسجد گوهرشاد کز کرده است و نم‌نم اشک می‌ریزد یا پیرمردی که مدت طولانی سر بر سجده گذاشته است. اما او خودش سراغم آمد. لبخندی روی لبش بود و اشک توی چشم‌هایش حلقه زده بود. انگار حرف‌هایش سر رفته بود. نشست کنارم. گفت: می‌دانی امام‌رضا(ع) گفته است هرگاه سختی‌ای به شما رسید، به واسطه ما از خدا کمک بجویید؟

سری تکان دادم که یعنی نشنیده بودم. فکر کردم گوش اضافی می‌خواهد که برود روی منبر، اما لبخند زدم که توی ذوقش نخورد. گفت: من هم نمی‌دانستم. می‌گفت: شرمم می‌آمد برای هر خواسته ناچیزی بیایم و آن را از امام بخواهم. انگار امام را گذاشته بودم برای لحظه‌های خیلی سخت. می‌خواستم رو زدنم را بگذارم برای وقتی که بیرزد، نه اینکه مغرور باشم ها! نه؛ امام را بزرگ‌تر از این حرف‌ها می‌دانستم. با همسرم اختلاف داشتم، می‌آمدم حرم. دلگیر هم بودم اما از امام‌رضا(ع) نمی‌خواستم مشکلم را حل کند. بی‌پول بودم و دستم تنگ بود، همان پول اندکم را هم می‌دادم و می‌آمدم حرم، اما رزق زیاد نمی‌خواستم. گره در کارم می‌افتاد، می‌گفتم امام برای معجزه‌های بزرگ است نه گره‌های کوچک تو. این بار با گره بزرگ‌تری آمده بودم اما انگار طلب داشتم؛ طلب خواسته‌های کوچکی که هیچ‌وقت از امام نخواسته بودم. گریه‌هایم و عجزولابه‌هایم را که کردم، وسط صحن جمهوری نشستم. سبک شدم. پیش و پس حرف‌های خطیب روی منبر را نشنیده بودم، فقط یه جمله شنیدم: «هرگاه سختی‌ای به شما رسید، به‌واسطه ما از خدا کمک بجویید». همین! انگار این جمله فقط برای من بود. هرگاه سختی‌ای رسید؛ نه کوچک، نه بزرگ، نه کم، نه زیاد، هرگاه... یعنی هروقت گیر کردی، بیا!

امام رئوف

خواندن درباره آنچه از زندگی امام‌رضا(ع)، ولی‌نعمت شهرمان، برایمان مانده است، برای ما شیعیان فرصت مغتنمی است که بتوانیم در کنار زیارت ایشان به معرفت و شناخت بیشتری از حضرت نیز دست پیدا کنیم. نرجس شکوریان‌فرد، در کتابی به نام «امام رئوف»، از زندگی و فضایل و کرامات امام هشتم(ع) نوشته است. در تألیف این کتاب از منابع مختلفی مانند عیون اخبار الرضا(ع)، مستدرک الوسائل، بحارالانوار، وسائل‌الشیعه و... استفاده شده است تا روایات و احادیثی که مربوط به این امام همام است، برای دوست‌داران و عاشقان حضرت گردآوری شود. در انتهای هر روایت نیز نویسنده برداشت و حال عرفانی خود را با خواننده قسمت کرده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«در خانه امام، دور امام نشسته بودند. هرکسی، هر سؤالی داشت، می‌پرسید و امام جواب می‌داد. مردی به جمع اضافه شد. کمی که گذشت، عرض کرد:

– یابن رسول‌ا...! من تازه حج بودم. پول‌هایم را گم کرده‌ام. مبلغی به من کمک کنید. وقتی رسیدم به خراسان، از جانب شما صدقه می‌دهم. امام فرمود: چند لحظه بنشین!

جمعیت دور امام کم‌کم رفتند و خلوت شد. امام برخاستند و درون خانه رفتند. چند لحظه بعد از پشت در، دست امام بیرون آمد و صدا زد:

–ای خراسانی! بیا و این مقدار را بگیر. خرج کن، لازم هم نیست از طرف من صدقه بدهی.

مرد گرفت و دعاگویان رفت.

از امام علت کارش را پرسیدند. فرمود: دوست نداشتم کوچک شدن و خواری را در چهره او ببینم».

(کافی، ج۴، ص۲۴).



بررسی فضایل امیرالمؤمنین(ع) از ورای لیله‌المبیت

شب از جان گذشتن

آمنه مستقیمی| صفحه به صفحه کتاب تاریخ اسلام راوی فضایل بی‌مثالی از امیرالمؤمنین امام‌علی(ع) است که اگر نبود جان‌فشانی‌ها، ایثارها و همراهی‌هایش با پیامبر(ص) اسلام، چنین عالم‌گیر نمی‌شد؛ ازجمله این فضایل مربوط است به لیله‌المبیت که دوست و دشمن به آن معترف هستند. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین قاسم خانجانی، استاد تاریخ اسلام و عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به این فضیلت علوی پرداخته‌ایم.



اتحاد قریش برای حذف پیامبر(ص)

ریشه و زمینه‌های واقعه تاریخی لیله‌المبیت را باید در اتفاقات سیزده سال بعثت و تبلیغ نبوی در مکه جست‌وجو کرد؛ اگرچه پذیرش اسلام از سوی مردم مکه و اهالی حجاز وسعت چندانی نداشت، پذیرفتن این دین از سوی طبقات اجتماعی مختلف اعم از پایین‌دست و غنی، شخصیت‌های نامدار، زن و مرد و... کار را به جایی رساند که قریش با همه مانع‌تراشی‌ها و تحریم‌ها و شکنجه‌ها و تهدیدها نتوانستند مانع پیامبر(ص) شوند، لذا چاره را در حذف فیزیکی و ترور رسول خدا(ص) دیدند.

رضایت به خون‌بها

بدین منظور در دارالندوه که محل حضور و گردهمایی و تصمیم‌گیری قریش و دیگر طوایف مهم محسوب می‌شد، جمع شدند. ابتدا پیشنهاد حبس و زندانی کردن پیامبر(ص) مطرح شد اما می‌دانستند که نتیجه نمی‌گیرند و نهایتا حضرت آزاد می‌شوند تا اینکه بنا بر برخی اقوال، ابوجهل یا شیطان، در هیبت پیرمردی ظاهر شد و گفت اگر یک نفر از شما بخواهد محمد را بکشد، نمی‌تواند پاسخگوی بنی‌هاشم باشد، لذا مقرر شد از هر قبیله یک نفر در ماجرای قتل همراهی کند تا این چنین، بنی‌هاشم نتواند با چند قبیله بجنگد و مجبور شود به خون‌بها رضایت دهد.

سجده شکر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)

خدا، پیامبر(ص) را از طریق وحی از این توطئه مطلع کرد و ایشان هم ماجرا را با امیرالمؤمنین(ع) درمیان گذاشتند و فرمودند: «آیا تو حاضری در بستر من بخوابی و من منزل و مکه را ترک کنم؟» و حضرت امیر(ع) پذیرفتند و سجده شکر به‌جای آوردند. شب موعود هم‌زمان با شب ربیع‌الاول (بنا بر نقل مشهور در سال چهاردهم هجری که در تقویم بعدها تدوین شد) حضرت ختمی مرتبت(ص) به پشتوانه ایثار علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) خانه و مکه را ترک کردند.

نشانه خدا

نقل است پیامبر(ص) برای عبور از حلقه محاصره خانه خود، آیاتی از قرآن ازجمله آیه ۹ سوره مبارک یس را قرائت کردند و بنا بر برخی اقوال به مهاجمان حتی مقداری خاک پاشیدند و در خفا منزل را ترک و به‌سمت غار ثور (خلاف مسیر مدینه) حرکت کردند. مشرکان هنگام سحر به منزل نبوی حمله کردند و چون رواندار را کنار زدند، علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) را در بستر رسول خدا(ص) دیدند. بنا بر نقلی، آن‌ها به امام‌علی(ع) جسارت کردند و به ایشان آسیب رساندند و حتی مدتی آن حضرت را در مسجدالحرام حبس کردند، اما حضرت امیر(ع) چیزی درباره مقصد پیامبر(ص) به آن‌ها نگفتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین خانجانی: لیله‌المبیت به قدری در تاریخ اسلام اهمیت دارد که مبدأ تاریخ اسلام شد؛ معمولا در میان اعراب، حوادث بسیار مهم به‌عنوان مبدأ تاریخ انتخاب می‌شوند

احتجاجات امیرالمومنین(ع) به لیله‌المبیت

امیرمؤمنان(ع) به این واقعه برای اثبات حقانیت و فضایل خود احتجاج کرده‌اند؛ برای مثال در شورای شش‌نفره انتخاب خلیفه بعد از پیامبر در شعری که منسوب به حضرت است، فرمودند: من جان خود را فدای بهترین شخص کردم، آیا شما ندیدید؟ کدامتان چنین فداکاری و ایثاری داشته‌اید؟ (الخصال، جلد ۲، ص ۵۶۰) و همه گفتند: هیچ‌کدام ما! و چون نتوانستند پاسخ دهند، امام‌علی(ع) فرمودند: «پس من از همه شما به خلافت رسول خدا(ص) سزاوارترم».

مبدأ تاریخ

«لیله‌المبیت» در معنای لغوی یعنی شب خوابیدن. شاید پرسیده شود همه شب‌ها برای خواب هستند، در پاسخ باید گفت این خوابیدن منشأ هجرت شد و همین، دلیل تفاوت آن با دیگر شب‌هاست. این اقدام و ایثار، فضیلتی عظیم برای علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) قلمداد می‌شود و به قدری مهم است که اهل سنت و شیعه به آن اعتراف می‌کنند. یعنی شاید برخی فکر کنند این موضوع فقط در منابع شیعی آمده است، درحالی‌که بزرگان اهل سنت مثل فخررازی، که از معاندان شیعه و بسیار متعصب بود، نیز به آن اعتراف کرده است و منابع معتبر دیگری از اهل سنت هم این موضوع را پذیرفته‌اند، مثل ابن‌ابی‌الحدید.

مباهات خدا به علی(ع)

این فضیلت به قدری مهم است که خود اهل سنت گفته‌اند خداوند به این اقدام امیرالمؤمنین(ع) مباهات کرد. طبق نقلی وقتی این واقعه در جریان بود، خدا به جبرائیل و میکائیل ندا داد کدام یک از شما حاضرید فدای دیگری شوید و هیچ‌یک از این دو ملک مقرب الهی، حاضر نشدند برای دیگری ایثار و ازخودگذشتگی کنند، لذا خدا به آن‌ها فرمود: به زمین بروید و ببینید در زمین یکی حاضر شده است جان خود را فدای دیگری کند و آن‌ها در زمین با ایثار علوی مواجه شدند و هر دو به امیرمؤمنان(ع) آفرین گفتند. (اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج۴، ص۱۱۳)

تاریخ؛ مدیون ایثار علی(ع)

لیله‌المبیت به قدری در تاریخ اسلام اهمیت دارد که مبدأ تاریخ اسلام شد؛ معمولا در میان اعراب، حوادث بسیار مهم به‌عنوان مبدأ تاریخ انتخاب می‌شوند؛ مثل نابودی اقوامی چون قوم ثمود، حتی بعثت نبوی که بسیار مهم بود به لحاظ سال شمار، مبدأ تاریخ نشد اما اصل هجرت چون فرصت توسعه اسلام در خارج از مکه و ایجاد حکومت نبوی را فراهم کرد، مبدأ تاریخ شد و این بدون ایثار امیرالمؤمنین(ع) ممکن نبود.

شأن نزول آیه شراء

آیه ۲۰۷ سوره مبارکه بقره که به آیه شراء یا اشتراء در بیان اهمیت و آثار این ایثار علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) نازل شد و هیچ اقدام دیگری را نمی‌توان مصداق این آیه یافت؛ شاید برای برخی آیات شأن نزول‌های دیگری یافت شود اما برای این آیه نه! شاید یکی از دلایل پذیرش فضیلت لیله‌المبیت برای امیرالمؤمنین(ع) ازسوی افرادی چون فخر رازی این است که منابع اهل سنت مانند مفاتیح‌الغیب، شواهدالتنزیل لقواعد التفضیل، و شرح نهج‌البلاغه لابن أبی‌الحدید، این آیه را در شأن علی(ع) می‌دانند، تاجایی‌که اسکافی، استاد ابن ابی‌الحدید، می‌گوید: حدیث خوابیدن علی(ع) در بستر پیامبر اسلام(ص) به تواتر ثابت شده و قابل انکار نیست؛ بنابراین جز انسان دیوانه و مجنون، یا کسی که با مسلمانان معاشرتی ندارد، هیچ‌کس چنین روایتی را انکار نمی‌کند. [زیرا] تمام مفسران قرآن کریم اتفاق نظر دارند که آیه شریفه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی...» در لیله‌المبیت، در شأن علی(ع) نازل شده است.

چرا نفس نبی(ص)؟

اینکه قرآن از علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) به عنوان نفس پیامبر(ص) تعبیر می‌کند، یک بعدش همین است؛ نفس یعنی همه جان و موجودی انسان که امام‌علی(ع) آن را برای خدا و پیامبر(ص) در طبق اخلاص گذاشتند و نتیجه آن، کسب رضایت خداست و اینجا جان آن شخص به منزله جان پیامبر(ص) است، گویی یک جان واحد بودند در دو پیکر.